

بازسازی اقتصادی در ایران

نویسنده: هوشنگ امیراحمدی

مترجم: رضا علیزاده

توجه:

گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی در نظر دارد که با ترجمه و چاپ مقاله‌های مربوط به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ... ایران که به وسیله کارشناسان و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی مقیم خارج از کشور نوشته شده و در نشریات ادواری غیرقارسی ارائه می‌شود، علاقمندان را با دیدگاهها و تحلیلهای آنان آشنا کند. بدیهی است که چاپ این مقاله‌ها در گزیده به معنای تأیید موضوع و دیدگاههای نویسندگان آنها نیست. گذشت از این، گزیده از مطالبی که به وسیله کارشناسان، صاحب‌نظران و علاقمندان در نقد تمام یا قسمتی از این مقاله‌ها نوشته شود، استقبال خواهد کرد. * گزیده - *

ایران و عراق، پس از هشت سال جنگ، در ۲۰ اوت ۱۹۸۸، بر مبنای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، با آتش‌بس موافقت کردند. امید است که دو کشور اختلافات خود را به طور مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه حل کنند. هر دو کشور پس از تحمل خسارات جنگ، شدیداً میل به بازسازی دارند، اما هنوز در مورد نیل به چنین سرانجامی یقین نمی‌توان داشت. دو طرف هنوز به یکدیگر بی‌اعتمادند و عراق همچنان ادعاهای غیرقابل قبولی - از قبیل حاکمیت کامل بر آبراه شط العرب - را مطرح می‌کند.^۱ از این رو ممکن است در آینده قابل پیش بینی شرایط "نه جنگ، نه صلح" حاکم باشد که نه به صلح منتهی شود و نه

آتش‌بس، اگرچه جنگی پرهزینه و سنگین را به پایان رسانده، اما چالشی پرهزینه‌تر، پیچیده‌تر و دشوارتر را در راه بازسازی آغاز کرده است. مسئله بازسازی ایران در واقع امری بسیار فراتر از رشد و توسعه اقتصادی است. کشور نیازمند آن است که ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را دگرگون کند. حتی ملزومات بازسازی اقتصادی باور نکردنی به نظر می‌رسد و مستلزم یک اقدام ملی است که با توجه به شکافهای سیاسی موجود بین جمهوری اسلامی و مخالفان آن و نیز بین جناحهای سیاسی مختلف درون دولت، سازماندهی آن امری دور از دسترس می‌نماید. کشور باید به

* اعداد داخل متن به یادداشتهای آخر مقاله اشاره دارد - م.

طور همزمان به بازسازی خانه‌ها، مدرسه‌ها، مغازه‌ها، راه‌ها، سیستم‌های آبرسانی و ساختمانهای دولتی پردازد؛ و باید خون حیات در رگهای صنایع، کشاورزی و خدمات اجتماعی بریزد.

این مقاله پس از ارائه گزارشی از خسارات و هزینه‌های جنگ، به مسئله بازسازی پس از جنگ می‌پردازد و به ویژه می‌کوشد این موارد را روشن کند: بحثهایی که پس از جنگ در مورد راهبرد بازسازی در گرفته است؛ راههای مختلف تأمین هزینه‌های بازسازی؛ و نیز موانع مختلفی که در راه تحقق بازسازی وجود دارد. بخش آخر مقاله نیز به رابطه میان بازسازی پس از جنگ و وضعیت کنونی "نه جنگ، نه صلح" اختصاص دارد و بر ضرورت آشتی ملی و همکاری بین‌المللی تأکید می‌نهد.

عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، در جبهه‌ای به طول ۱۳۵۲ کیلومتر به ایران تجاوز کرد و در مواردی تا ۸۰ کیلومتر در عمق خاک ایران پیش رفت. در طول چند هفته ۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک استانهای خوزستان، باختران، ایلام، کردستان و آذربایجان غربی به اشغال درآمد. این استانها در جوار مرزهای ترکیه، عراق و خلیج فارس) قرار دارند و سلسله کوههای زاگرس و دریاچه ارومیه را دربرمی‌گیرند. مساحت این استانها ۱۷۸۰۰۰ کیلومتر مربع، معادل ۱۰/۸ درصد کل مساحت کشور، است. زمانی که جنگ در سال ۱۹۸۰ آغاز شد، تقریباً ۶/۳ میلیون نفر (در حدود ۱۶/۷ درصد از جمعیت کل کشور) در این استانها می‌زیستند. تراکم جمعیت در این استانها ۳۵/۴ نفر در کیلومتر مربع بود که در مقایسه با تراکم متوسط در سطح کشور که ۲۳/۲ نفر در کیلومتر مربع بود، تراکم جمعیت بیشتری را نسبت به بسیاری از دیگر مناطق کشور نشان می‌داد. اکثریت جمعیت این استانها را اقلیت‌های قومی - آذری، کرد و عرب - تشکیل می‌دادند. از این رو، این استانها از نظر سیاسی بسیار با اهمیت قلمداد

می‌شدند، اما اهمیت اقتصادی آنها نیز بسیار بود، به ویژه خوزستان، که مهمترین مرکز نفتی ایران است و تأسیسات اقتصادی مهمی از قبیل تأسیسات بندری، کارخانه‌های فولاد، پالایشگاه نفت و مجتمع‌های پتروشیمی در آن جای دارد. سایر استانهای همجوار مناطق جنگی و شهرهای واقع در بخشهای مختلف کشور نیز آسیب دیده‌اند و این آسیب به ویژه ناشی از حملات مکرر موشکی به بخشهای غیرنظامی بوده است.

جنگ مخصوصاً در پنج استان مذکور، ویرانی عظیمی ایجاد کرده است. ۳ قبل از ارائه ارقام باید چند نکته در مورد منابع و کیفیت داده‌ها، گفته شود. نخست آنکه، این ارقام "رسمی" اند و دولت آنها را با توجه به احتمال گرفتن خسارت تدوین کرده است. به علاوه، در اغلب موارد، تورم به حساب نیامده و ارقامی که به دلار ذکر شده، بر مبنای نرخ رسمی تبدیل دلار به ریال محاسبه شده است. این نرخ ۱۰ تا ۱۵ برابر کمتر از نرخهای رایج در بازار است. برآوردهای مربوط به بخش نفت نیز بر اساس قیمت‌هایی بالاتر از قیمت متوسط نفت در خلال سالهای جنگ، تهیه شده است. به هر حال، این گرایش به ارائه ارقام اغراق آمیز، با میل به کم جلوه دادن اصل خسارات جنگ خنثی می‌شود. برای نمونه، ارقامی که گزارش شده موارد زیر را شامل نمی‌شود: خسارات وارده بر بخشهای نظامی، هزینه آسیب وارده بر جمعیت [تلفات نیروی انسانی]، هزینه تبلیغات جنگ، قیمت نفتی که به رایگان یا با تخفیف قابل ملاحظه در اختیار سوریه گذاشته شده است، هزینه بازسازی تأسیسات خسارت دیده در اثر جنگ و هزینه تغییر مسیر واردات و صادرات به بنادر واقع در خارج منطقه جنگی. به علاوه، هزینه آسیبهای شدید روانی و خسارات قابل ملاحظه‌ای که بر محیط زیست وارد شده نیز در محاسبات گنجانده نشده است.

روش محاسبه خسارات در کتاب روشها و الگوهای لازم برای برآورد خسارت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که در سال ۱۹۸۳ توسط وزارت برنامه و بودجه [اکنون، سازمان برنامه و بودجه] منتشر شد، آمده است. برای جمع آوری داده‌های خام و محاسبه رقم خسارات، از سرشماری، نمونه‌گیری و فنون ساده آماری استفاده شده است. از روشهای مشاهده مستقیم، ارسال پرسشنامه با پست و مصاحبه نیز به طور منفرد یا در کنار هم استفاده شد. عوامل خسارت به چهار مقوله زیر تقسیم می‌شوند: اسرای جنگی عراقی؛ عراقیهای (ایرانی تبار) رانده شده؛ بخش خصوصی؛ و بخش عمومی. برای دو مقوله اول، خسارت مادی با ضرب هزینه متوسط سرانه در تعداد افراد [اسرای عراقی و عراقیهای رانده شده] محاسبه شد. هر مورد بخشهای عمومی و خصوصی اقتصاد نیز ۱۷ زیربخش مشخص شد و خسارات وارده بر هر بخش بر مبنای یک مقیاس درجه‌بندی ارزیابی گشت. در مرحله بعد، هزینه‌های "مستقیم" و "غیرمستقیم" این خسارات مشخص شد.

هزینه‌های اقتصادی مستقیم شامل موارد زیر است: خسارات وارده بر ساختمانها و تأسیسات عمومی، ماشین آلات و تجهیزات (متعلق به بخشهای اقتصادی یا فرستاده شده به جبهه جنگ، بجز تجهیزات ارتش)، کالاهای، تأسیسات زیربنایی، حقوق و دستمزد پرداخت شده بابت مأموریت در مناطق جنگی (بجز حقوق پرداخت شده به پرسنل نظامی) و پرداختهای رفاهی به جنگزدهگان. هزینه‌های اقتصادی غیرمستقیم نیز دربرگیرنده هزینه فرصت از دست رفته (از قبیل درآمدهای نفتی و محصول ناخالص ملی [در شرایط غیرجنگی] بالقوه)، کاهش ظرفیت تولید و خسارات ناشی از تأخیر در عملیات اقتصادی است. برای محاسبه رقم خسارات وارده به هر بخش، تعداد واحدهای آسیب دیده (یا تخریب شده) در قیمت این واحدها (حال

و آینده)، ضرب شد، در اکثر موارد برای ملاحظه میزان خسارت وارده بر یک واحد، نسبت ۶۰ درصد به عنوان معیار در نظر گرفته شد و واحدهایی که بیش از ۶۰ درصد خسارت دیده بودند، به طور کامل تخریب شده محسوب شدند. معمولاً قیمت‌های متوسط منطقه‌ای "برای نشان دادن قیمت جاری اقلام خسارت دیده در نظر گرفته شد و در مواردی نوری نیز در محاسبات گنجانده شد. برای تعیین "هزینه فرصت" نیز فرضیهایی درباره وضعیت آینده قیمت‌ها مطرح شد و دقت به عمل آمد تا اقلام بیش از یک بار مورد محاسبه قرار نگیرند.

اگر به مسئله خسارات جنگ برگردیم، در مورد نیروی انسانی ملاحظه خواهیم کرد که از جمعیت ۵۰/۶ میلیون نفری ایران (در سال ۱۳۶۵/۱۹۸۶)، ۳۰۰ هزار نفر آسیب دیده‌اند که ۶۱ هزار نفر از آنها در میدان جنگ مفقودالاثرا شده و در حدود ۵۰ هزار نفر به اسارت عراق درآمده‌اند (که این رقم شامل گروهی از مفقودالاثرا نیز هست)؛ حداقل ۵۰۰ هزار نفر نیز معلول یا دچار نقص عضو شده‌اند. به علاوه، ۲/۵ میلیون نفر خانه و شغل خود را از دست داده و یا به اردوگاههای آوارگان، مجتمعات و سکونتگاههای موقت در مراکز شهری عمده منتقل شده‌اند. به این فهرست خسارات انسانی باید میلیونها انسان مولد و نیرومند توانا به کار را نیز افزود که در مسئولیتهای مختلف به عنوان پرسنل نظامی و شبه نظامی، نیروهای نامنظم، متخصص فنی و داوطلب در جنگ خدمت کردند. باید توجه داشت که نیروهای داوطلب، عمدتاً جوان و از متعهدترین نیروها به انقلاب بوده‌اند.

تأثیر جنگ بر سکونتگاهها، و نیز بر نحوه توزیع جمعیت، سیستمهای شهری و نواحی روستایی واقع در مناطق جنگی جنوب و جنوب غربی کشور نیز به همین اندازه ویرانگر بوده است.

برطبق ارقام سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵، جمعیت ۵ استان جنگزده کشور معادل ۷/۶ میلیون نفر یا تقریباً ۱۵ درصد جمعیت کشور بوده است. در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) جمعیت همین استانها معادل ۵/۷ میلیون نفر، یا ۱۷/۲ درصد جمعیت کل کشور بود. این نشان می‌دهد که این استانها بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت خود را از دست داده‌اند.

۵۲ شهر که همه‌شان در استانهای جنگی واقع هستند، خسارت دیده‌اند. از این تعداد، ۶ شهر کاملاً با خاک یکسان شده و ۱۵ شهر دیگر نیز از ۳۰ تا ۸۰ درصد تخریب شده‌اند؛ ۸۰ درصد از خرمشهر که در سال ۱۹۸۰، ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشت و مهمترین بندر ایران در خلیج (فارس) محسوب می‌شد، در حال حاضر زیر آوار است و آنچه از آن باقی مانده نیز امن نیست. علاوه بر این، شماری از شهرهای بزرگ، از جمله تهران و اصفهان، نیز در اثر بمباران هوایی و حملات متعدد موشکی، خسارات زیادی متحمل شده‌اند.

تخریب مناطق روستایی از این هم بیشتر بوده است. بیش از ۳۰ درصد از روستاها در پنج استان جنگی (در حدود ۴۰۰۰ سکونتگاه) به طور کامل ویران شده و شمار بیشتری از روستاها نیز خسارات سنگین دیده‌اند. ارزش پولی کل خسارات وارده بر سکونتگاههای انسانی در فاصله سپتامبر ۱۹۸۰ تا سپتامبر ۱۹۸۵ در حدود ۱۳ میلیارد دلار برآورد شده (که ۵۴ درصد آن مربوط به مناطق آسیب دیده روستایی است). ارقام مربوط به بقیه دوران جنگ (تا اوت ۱۹۸۸) هنوز در دسترس عموم قرار ندارد. اما به موجب دقیقترین تخمینها، احتمالاً در حدود ۵ میلیارد دلار خسارت نیز در این دوره بر سکونتگاههای انسانی وارد شده است و به این ترتیب، رقم کل خسارات وارده بر این بخش به ۱۸ میلیارد دلار می‌رسد.

با این همه، جنگ ویرانگرترین ضربه خود را

بر اقتصاد کشور وارد کرده است. جدول یک، خسارات اقتصادی "مستقیم" و "غیرمستقیم" وارده بر ۹ بخش را تا سپتامبر ۱۹۸۵، نشان می‌دهد. بخش قابل ملاحظه‌ای از خسارات غیرمستقیم را هزینه فرصت از دست رفته تشکیل می‌دهد، اما خسارات مستقیم عمدتاً تخریب ماشین آلات، ساختمانها، مواد و مصالح، کالاها و سایر اقلام ثروت ملی را شامل می‌شود. کل خسارات اقتصادی به بیش از ۲۴۷۰۷ میلیارد ریال (۳۰۹/۱ میلیارد دلار) بالغ می‌شود که ۳۵/۵ درصد آن (در حدود ۱۱۰ میلیارد دلار) آن را خسارات مستقیم تشکیل می‌دهد. (برای مقایسه می‌توان گفت که در سال ۱۹۸۵ محصول ناخالص داخلی ایران معادل ۱۷۶/۶ میلیارد دلار - ۱ دلار: ۸۴/۹ ریال - بود). گزارش رسمی خسارات جنگی سال ۱۹۸۸ هنوز منتشر نشده است اما ارقامی که در اسناد منتشر نشده یا در سخنرانیهای مسئولان دولتی ذکر شده، نشانگر آن است که رقم کلی خسارات بسیار بیشتر از رقم مربوط به سال ۱۹۸۵ است. به ویژه، خسارات اقتصادی مستقیم تا تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۷ (پایان سال ۱۳۶۵ شمسی) در حدود ۱۸۹ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. با فرض اینکه این رقم نیز مانند گزارش قبلی، فقط ۳۵/۵ درصد از کل خسارات باشد، کل خسارات اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم جنگ تا این تاریخ (۲۱ مارس ۱۹۸۷) به رقم باور نکردنی ۵۳۲/۴ میلیارد دلار می‌رسد. برای بقیه دوره جنگ (۲۱ مارس ۱۹۸۷ تا ۲۰ اوت ۱۹۸۸) ارقام دقیقی موجود نیست. اما اگر فرض کنیم که خسارات با همان نرخ سالانه دوره ۱۹۸۵-۱۹۸۷ افزایش یافته باشد، در حدود ۶۰ میلیارد دلار دیگر نیز باید به کل رقم خسارات (که ۲۱ میلیارد دلار آن خسارات مستقیم است) افزوده شود. بنابراین، از ابتدای جنگ در سپتامبر ۱۹۸۰ تا زمان آتش‌بس در اوت ۱۹۸۸، در حدود ۵۹۲ میلیارد دلار به اقتصاد ایران خسارت وارد شده

جدول ۱. خسارات اقتصادی جنگ تا سپتامبر ۱۹۸۵ (میلیون ریال به قیمت جاری)^۱

بخش ^۱	مستقیم ^۲		غیرمستقیم ^۳	
	مقدار	درصد کل	مقدار	درصد از کل
۱	۲۹۱۵۰۱۳	۸۳/۴	۵۷۹۴۴۰	۱۶/۶
۲	۱۲۹۴۷۴	۵/۶	۲۱۷۲۱۸۵	۹۴/۴
۳	۱۲۳۸۱۸۸	۹/۴	۱۱۹۸۸۰۸۵	۹۰/۶
۴	۱۷۱۷۶۵	۳۳/۸	۳۳۶۹۹۹	۶۶/۲
۵	۱۲۷۴۹۷	۹۲/۶	۱۰۱۳۸	۷/۴
۶	۴۶۸۶۸۷	۹۷/۲	۱۳۵۳۵	۲/۸
۷	۳۱۶۰۳۷۸	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰
۸	۳۳۱۰۱۳	۸۸/۱	۴۴۵۴۲	۱۱/۹
۹	۲۳۹۹۴۸	۲۳/۵	۷۸۰۱۱۵	۲۶/۵
کل	۸۷۸۱۹۶۳	۳۵/۵	۱۵۶۲۵۰۶۶	۶۴/۵

مأخذ: براساس جدول ۲ در خلاصه گزارش (نگاه کنید به یادداشت شماره ۳ در قسمت یادداشتها)

۱. ارقام گرد شده‌اند. برای تبدیل ریال به دلار آمریکا نرخ تبدیل ۱ دلار: ۸۰ ریال فرض شده‌است.
۲. جدول اصلی، ارقام را برای ۱۷ بخش ذکر می‌کند. در اینجا این بخشها در ۹ مقوله ادغام شده‌اند: کشاورزی (همه زیر بخشها)؛ صنایع؛ نفت و انرژی (بخشهای ۳ و ۴ در جدول اصلی)؛ ارتباطات، راهها، حمل و نقل و گمرک (بخشهای ۵ و ۹ در جدول اصلی)؛ آموزش و ارتقاء اسلامی، بهداشت و رفاه (بخشهای ۷ و ۸ در جدول اصلی)؛ مسکن و شهرسازی (بخشهای ۶ و ۱۱ در جدول اصلی)؛ نهادهای انقلابی (بخش ۱۲ در جدول اصلی)؛ بانکها، تجارت و امور مالی (بخشهای ۱۰ و ۱۳ در جدول اصلی)؛ کار و دادگستری، هلال احمر، شهرداری تهران، نخست‌وزیری، وزارت برنامه و بودجه، ژاندارمری و پلیس (بخشهای ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ در جدول اصلی)
۳. شامل خسارات وارده به انواع ساختمان و تأسیسات عمومی؛ ماشین آلات و تجهیزات؛ کالاها و سایر ارقام ثروت ملی؛ کمکهای نقدی و مشابه؛ پرداخت حقوق و دستمزد به کسانی که به جبهه اعزام شده‌اند؛ تخریب ماشینها و خودروهایی که به جبهه فرستاده شده‌اند؛ پرداخت کمک هزینه به جنگرندگان.
۴. (عمدتاً) شامل هزینه فرصت از دست رفته، کاهش ظرفیت [تولید] و تأخیر ناشی از جنگ در عملیات، و موانع و مشکلات ناشی از جنگ می‌شود.

است که در حدود ۲۱۰ میلیارد دلار آن به خساراتی مربوط می‌شود که بر تأسیسات زیربنایی کشور وارد آمده است. تنها خسارات اقتصادی مستقیم جنگ با ۱۹/۵ سال درآمد نفت (در سطح درآمد سال ۱۹۸۷ که معادل ۱۰/۷ میلیارد دلار بود) برابر بوده است. این ارقام خسارات وارده بر نیروی انسانی، هزینه‌های نظامی و نیز هزینه بازسازی خسارات جنگ را شامل نمی‌شود.

خسارات مالی و بودجه‌ای جنگ نیز به همان اندازه با اهمیت بوده‌اند. جدول ۲ نشانگر هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگی در دوره ۱۹۸۱-۱۹۸۶ است. در این دوره، کل هزینه‌های جنگی بالغ بر ۳۵۳۸/۲ میلیارد ریال بوده است (با نرخ ۱ دلار: ۸۴/۹ ریال، تقریباً معادل ۴۱/۶ میلیارد دلار). این رقم ۱۶/۹ درصد از کل هزینه‌های عمومی را شامل می‌شود. می‌توان ۱۲-۱۵ میلیارد دلار دیگر نیز (برای بقیه دوره جنگ تا اوت ۱۹۸۸) به این رقم افزود و به این ترتیب به رقم ۵۳/۶-۵۶/۶ میلیارد دلار رسید که کل هزینه‌های جنگی در دوره ۸ ساله جنگ است. در حدود ۸۸/۷ درصد از هزینه‌های مربوط به جنگ در خلال دوره ۱۹۸۱-۱۹۸۶ صرف هزینه‌های مستقیم شده است که ۹۱ درصد از این هزینه‌ها نیز به نوبه خود صرف هزینه‌های دفاعی مربوط به جنگ شده است. اما برخلاف این هزینه‌های بالا، فقط ۸/۹ درصد از هزینه‌های مستقیم به بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ اختصاص یافته است. سهم هزینه‌های غیرمستقیم نیز در کل هزینه‌های جنگی تقریباً به همین اندازه اندک بوده است. در حدود ۱۱/۳ درصد از این هزینه‌ها به بنیاد شهید و بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی پرداخت شده است.

بحث پیرامون راهبرد بازسازی

از زمان آتش‌بس، بحث‌های تندی پیرامون اولویت‌های بازسازی در گرفته است؛ منابع در مقایسه با نیازها بسیار اندک‌کنند و مسیری که در پیش گرفته شود،

ماهیت نظامی را که پس از بازسازی پدیدار می‌گردد، تعیین می‌کند. این بحث به طور عمده چهار موضوع اساسی زیر را دربرمی‌گیرد: بازسازی نیروهای نظامی (هم نهاد و سازمان نیروهای مسلح و هم تجهیزات آن)؛ احیای اقتصاد ملی؛ ارتقای سطح رفاه مردم (به خصوص خانواده کسانی که در جنگ جان سپرده‌اند)، و بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ. عدالت اجتماعی که پس از انقلاب به طور مستمر مورد توجه بود، آگاهانه از فهرست اولویت‌ها حذف شده است. قراین دال بر آن است که به رشد اقتصادی بیش از هر چیز اولویت داده می‌شود. دولت باید در یک دوره زمانی قابل قبول، چهار تا پنج میلیون شغل ایجاد کند و رشد بی‌وقفه قیمت‌ها را نیز مهار کند. اما دولت اگر بخواهد با ارتش قدرتمند عراق برابری کند، باید در همان حال که ظرفیتهای تولیدی را مجدداً احیا می‌کند، برای مردم غذا تهیه کند و نیروی نظامی را نیز بازسازی نماید.

شرط توسعه اقتصاد؛ کسب نهاده‌های صنعتی (مواد خام، کالاهای واسطه، ماشین‌آلات و تکنولوژی) است که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن باید وارد شود. صنایع ایران بابت ۶۵ درصد از نهاده‌های موردنیاز خود به بازارهای جهانی وابسته‌اند و - صرف‌نظر از اینکه دولت چه قدر علاقه دارد که از منابع داخلی استفاده کند - فقط بخش بسیار کمی از این نهاده‌ها را می‌توان در داخل تولید کرد. ارزش نهاده‌های لازم برای رساندن تولید صنایع به سطح قبل از انقلاب، سالانه در حدود ۶/۵ میلیارد دلار خواهد بود. نیروی نظامی نیز باید بازسازی شود و از آنجا که فقط بخش اندکی از آنچه مورد نیاز است در داخل تولید می‌شود، هزینه سالانه لوازم یدکی و تجهیزات وارداتی، در حدود ۳ میلیارد دلار خواهد بود. واردات مواد غذایی نیز که همیشه زیاد بوده است، سالانه ۴/۵ میلیارد دلار هزینه در برخواهد داشت. اگر مخارج سالانه

جدول ۲. هزینه‌های جنگی ۱۹۸۱-۱۹۸۶ (میلیارد ریال، به قیمت جاری)

۱۹۸۶-۱۹۸۱	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱
۳۵۳۸/۲	۸۸۱/۰	۵۳۸/۰	۵۲۱/۸	۹۷۴/۰	۵۳۲/۰	۳۹۱۱/۴
۳۱۴۴/۱	۷۸۱/۰	۱۲۵/۰	۱۴۹/۰	۵۹۱/۰	۵۱۵/۰	۳۸۰/۹
۲۸۷۳/۱	۷۴۹/۰	۱۰۰/۰	۳۹۹/۰	۵۰۳/۰	۱۴۵/۰	۳۸۰/۹
۲۸۱۱/۰	۳۵/۰	۷۵/۰	۵۰/۰	۱۱۱/۰	۹۰/۰	۰/۰
۴۰۱/۵	۱۰۰/۰	۱۱۲/۰	۸۳/۴	۸۰/۰	۱۷/۰	۱۰/۵
۱۸۷/۰	۴۵/۰	۹۳/۰	۳۹/۳	۴۰/۰	۰/۰	۰/۰
۲۱۵/۵	۵۵/۰	۵۰/۰	۱۳/۰	۱۰/۱	۱۳/۰	۱۰/۵
۲۰۹۳۹/۰	۴۰۵۰/۰	۱۱۳۵/۰	۳۹۳۱/۰	۳۸۹۵/۰	۳۳۹۷/۰	۲۸۹۱/۰
۱۹/۹	۲۱/۸	۱۳/۰	۱۴/۴	۱۷/۳	۱۵/۸	۱۳/۷



کل هزینه‌های جنگ^۱ ۳۹۱۱/۴
 هزینه‌های مستقیم^۲ ۳۸۰/۹
 (دفاع)^۳ ۳۸۰/۹
 (بازسازی مناطق آسیب-
 دیده‌هاز جنگ)
 هزینه‌های غیرمستقیم ۱۰/۵
 (بنیادها و وسایل جبران جنگ) ۰/۰
 (بنیاد شهید) ۱۰/۵
 کل هزینه‌های عمومی ۲۸۹۱/۰
 درصد هزینه‌های جنگی به
 کل هزینه‌های عمومی ۱۳/۷

مأخذ: گورد آوری شده از Bazuzzi, 1366(1987-88), pp.10-11 نگاه کنید به: یادداشت شماره ۳.

۰۱. این ارتام، بودجه منظم دفاعی را شامل نمی‌شود و بنابراین هزینه‌های جنگ را کم نشان می‌دهد.

۰۲. هزینه‌های مستقیم شامل موارد زیر می‌شود: پرداختها بابت خرید تجهیزات دفاعی به وسیله وزارتخانه‌های دفاع و سپاه؛ هزینه‌های جنگی واندازموری و کمیته‌های انقلاب اسلامی؛ هزینه عملیات میدانی وزارت جهاد سازندگی در جبهه‌های جنگ؛ پرداخت به افراد بابت خسارات جنگ؛ و پرداخت بابت بازسازی و مرمت مناطق آسیب‌دیده از جنگ.

۰۳. آن بخش از بودجه وزارت دفاع را که در شرایط عادی (غیرجنگی) هزینه می‌شود، شامل نمی‌شود.

سفارتخانه‌ها، هیئت‌های اعزامی به خارج، بورسهای تحصیلی و اقلام مشابه نیز ۱ میلیارد دلار باشد، سالانه ۱۵ میلیارد دلار ارز خارجی لازم است. محتاطانه‌ترین برآوردهای رسمی، نیاز دولت به ارز خارجی در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹/۹۰) را بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار ذکر کرده‌اند.

با این حال، حتی اگر اوپک قادر باشد سقف تولید ۱۹/۵ میلیون بشکه در روز (با قیمت ۱۸ دلار) را که اخیراً مقرر کرده است، حفظ کند، باز هم درآمد نفتی ایران، که بیش از ۹۰ درصد ارز خارجی کشور را تأمین می‌کند، برای چند سال آینده از حد ۱۳ میلیارد دلار در سال فراتر نخواهد رفت. سهمیه تولید ایران در حدود ۲/۷۸۳ میلیون بشکه در روز تعیین شده است که ۸۰۰ هزار بشکه آن در داخل مصرف شده و بقیه را می‌توان صادر کرد. باید توجه داشت که دولت فقط بخشی - حداکثر ۵۰ درصد - از ارز خارجی حاصل از فروش نفت را واقعاً دریافت می‌کند. بقیه مبالغ دریافتی به هزینه‌های تولید، توزیع، حمل و نقل، بازاریابی، بیمه، خرید لوازم یدکی و تعمیرات، و سرمایه‌گذاری جدید (از جمله در اکتشاف) اختصاص می‌یابد. از این رو، از ۱۳ میلیارد دلار درآمد تخمینی سالانه نفت، فقط حدود ۶/۵ میلیارد دلار عملاً می‌تواند به بازسازی اختصاص یابد و البته در حدود ۱ میلیارد دلار دیگر نیز از صادرات غیرنفتی تأمین می‌شود.

پس سؤالی که مطرح است این است که آیا ایران باید از طریق راهبرد درهای باز و مشارکت توأمان بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی به بازسازی جامعه پردازد یا با دنبال کردن راهبرد به اتکا خود و دخالت گسترده دولت؛ یا اینکه باید آمیزه‌ای از این دو راهبرد را در پیش گیرد.^{۱۳} جمهوری اسلامی تاکنون کمک خارجی بسیار اندکی دریافت کرده و اساساً بر منابع داخلی تکیه داشته است. اما طرفداران سیاست درهای باز

(عمدتاً محافظه کارانی که با بازار پیوند دارند) استدلال می‌کنند که سیاست اتکا به خود کار بازسازی را دچار مشکل می‌کند زیرا کشور باید به سرعت حرکت کند و نیازها نیز بسیار زیادند. آنها تأکید می‌کنند که مردم فداکاری بسیار کرده‌اند و دیری در انتظار نمی‌مانند تا شاهد بهبود وضع زندگی خود باشند. آنها می‌گویند دولت باید در مورد وارد کردن کالاهای مصرفی اقدام کند و بخش خصوصی را نیز به این کار تشویق کند. این امر نیز مستلزم آزادسازی سیاستهای تجارتنی است. سرمایه‌گذاری در طرحهای زود بازده که هدف از آن تأمین رفاه فوری مردم باشد باید مقدم بر سرمایه‌گذاری در طرحهای بلندمدت شمرده شود. این سیاست رشد شتابان ممکن است به استفاده از منابع و تخصص خارجی نیز نیاز داشته باشد. طرفداران سیاست درهای باز با دخالت گسترده دولت در اقتصاد و بازسازی - بجز از آنکه فقط در صورت لزوم نقش برنامه‌ریز هدایت کننده و تنظیم کننده را داشته باشد - مخالفند. آنها همچنین بر این عقیده‌اند که اگر خوان اقتصاد با استفاده از راهبرد رشد شتابان گسترده‌تر نشود، به کسانی که در زیر خط فقر قرار دارند (در حال حاضر ۶۵ درصد جمعیت)، چیزی نخواهد رسید. آیت الله علی خامنه‌ای، رهبر جدید جمهوری اسلامی (که پس از مرگ آیت الله [امام] خمینی در ۳ ژوئن ۱۹۸۹، جانشین وی شد) به طرفداری از چنین خط مشیی شناخته شده است، اما در مقابل برخی از جنبه‌های دیدگاه مخالف این خط مشی نیز پذیرش نشان داده و بهتر آن است که او را مصلحت‌گرا قلمداد کنیم. او بر این اعتقاد است که رشد اقتصادی با افزودن بر تعداد مشاغل و دستمزها و نیز افزایش تولید و در نتیجه، کاستن از تورم، به بخشهای فقیر جمعیت مدد خواهد رساند.^{۱۴}

دیگران، و بیشتر رادیکالها، استدلال می‌کنند که آهنگ رشد اقتصاد می‌تواند کندتر باشد و

کشور باید در صنایعی که به محصولات آنها برای بازسازی نیاز دارد - سیمان، مصالح و تجهیزات ساختمانی، فولاد و صنایع ماشین ابزار - و نیز در خدمات اجتماعی سرمایه گذاری کند تا به نیازمندان مدد رساند. ایران با انتخاب چنین راهی می تواند آن بخشهایی را بازسازی کند که عمدتاً از منابع داخلی استفاده می کنند و همانند کشاورزی و صنایع کوچک در حد کمی به ارز خارجی نیاز دارند. طرفداران این دیدگاه می گویند مردمی که ۱۰ سال شداید را تحمل کرده اند، چندی دیگر نیز صبر خواهند کرد تا شاهد بهبود زندگی خود شوند. علاوه بر این، دولت باید به جای تشویق بخش خصوصی، تعاونیهای تولید و توزیع را گسترش دهد. این عده می گویند دولت باید همچنان مشوق سیاست اتکا به خود باشد و از تولیدات داخلی نیز حمایت کند و در مقابل توسعه راه حل سهل الوصولی که سیاست درهای باز و عدم مقاومت نماید. در غیر این صورت، کشور در اندک مدتی به دولتها و شرکتهای خارجی، به خصوص شرکتهای چند ملیتی، بدهکار خواهد شد. نتیجه چنین سیاستی، همان گویا که سیاست درهای باز (انفتاح) دولت مصر در دوره پس از ناصر نشان داده است، افزایش وابستگی به خارج و تشدید نابرابری درآمدها، همراه با ایجاد بازار مصرف برای یک اقلیت کوچک و اقلت نسبی صنایع کشور، خواهد بود.

آقای میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق و مشاور کنونی رئیس جمهوری، به گزینه رادیکال تمایل دارد، اگرچه او نیز در مواقعی با پذیرش سیاستهای مصلحت طلبانه و میانبروانه، انعطاف زیادی از خود نشان داده است.^{۱۵}

اگرچه هنوز مسیری که سرانجام برگزیده می شود نامعلوم است، اما سیاستگذاران و برنامه ریزان به آمیزه ای از این دو خط مشی تمایل دارند که در آن بخش خصوصی نقشی مهم ایفا

خواهد کرد و دولت نیز موقعیت مستحکم و نظارت کننده خود را حفظ خواهد نمود. این راهبرد که مورد حمایت رهبری میانه رو و مصلحت گرا همچون آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری اسلامی است، چهارچوبی مختلط (برنامه ریزی/بازار) را بر خواهد گزید تا سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی را هدایت کند.^{۱۶} اما آن بخشی که بیش از همه مورد توجه است، بخش تعاونیهای غیردولتی است که به گفته آقای رفسنجانی "گروه زیادی از مردم را، همچون یک بخش خصوصی، گرد هم می آورد" و رشد اقتصادی متوازن را تسریع می کند. "سرمایه داری غربی" که "غیر عادلانه و استثمار گرانه" است و کمونیسم شرقی "که روح" ابتکار فردی" را می کشد و "میان مردم و دولت، دشمنی ایجاد می کند"، با این راه میانه (طریق وسط)، مخالفند.^{۱۷}

توجه رویکرد مختلط، بخش دولتی به احتمال زیاد بر صنایع و معادن، نظام بانکی، صادرات، برخی از خدمات اجتماعی و کلیه تأسیسات و زیرساختی مبتکی خواهد بود و دو بخش دیگر در زمینهای مسکن، کشاورزی، فعالیتهای تولیدی کوچک، واردات و بخش عمده خدمات مرتبط با مصرف و توزیع، فعال شده و گسترش خواهند یافت.

رویکرد مختلط، بر یک سیاست خارجی غیرتنزاع طلب استوار است که در پی صدور انقلاب اسلامی از طریق ایجاد یک الگوی ایده آل، و نه با استفاده از زور، است. گمان می رود که این سیاست موجب ایجاد روابط علنی گسترده تری میان جمهوری اسلامی و شرق و نیز غرب گردد، و همچنین برای مدتی کوتاه، اتکا به کمکهای خارجی را در پی داشته باشد.^{۱۸} ممکن است پس از ابتکارهای اخیر برای عادی سازی روابط با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، عادی سازی روابط با

غرب مدنظر باشد. همچنین، طرفداران این راهبرد تا اندازه‌ای به آسان‌گیری سیاسی نیز تمایل دارند و نظرشان در مورد تحصیل‌کردگان ایرانی که در خارج زندگی می‌کنند (اعم از تبعیدبهای اجباری و اختیاری)، مثبت‌تر است.

آیت‌الله [امام] خمینی در قبال سه رویکرد فوق صراحت نداشت و در اوضاع و احوال مختلف، گاه، مواضع ایدئولوژیکی و گاه مواضع مصلحت‌گرایانه اتخاذ می‌کرد. اعدام سلمان رشدی و نیز شماری از احکام صادره توسط آیت‌الله [امام] خمینی در سال ۱۹۸۷، در مورد ضرورت دخالت دولت در اقتصاد و امور دیگر، مواضعی ایدئولوژیک محسوب می‌شوند. اما در همان حال که همچنان به شرق و غرب، و بخصوص به ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی بی‌اعتماد بود، برخلاف موارد فوق، سیاستهایی را تأیید می‌کرد که از طرف مصلحت‌گرایان پیشنهاد می‌شد و با اهداف اعلام شده جمهوری اسلامی مغایرت داشت. برای نمونه او آتش‌بس را پذیرفت و خط مشی پس از جنگ را که هدف آن عادی‌سازی تدریجی روابط با فرانسه، بریتانیا و کانادا (که مهم‌ترین موارد در این زمینه به شمار می‌روند) بود، تصویب کرد. آیت‌الله [امام] خمینی در اعلامیه‌ای که در پاییز سال ۱۹۸۸ منتشر شد و در آن به طرح دیدگاههای خود در مورد اولویتهای بازسازی پس از جنگ پرداخته بود، موضعی میانه اتخاذ کرد. این اعلامیه اولویتهای زیر را فهرست کرده بود: برخوردار شدن خانواده‌های شهدا و کسانی که در تلاشهای جنگی مشارکت داشتند از انواع امتیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بالا بردن توانایی دفاعی کشور و توسعه صنایع نظامی، خوداتکایی در کشاورزی و گسترش مراکز علمی و پژوهشی؛ برنامه‌ریزی برای نیازهای رفاهی عمومی؛ آزادی تجارت خارجی در حیطه کالاهای مصرفی، و مشارکت مردم (یعنی بخش خصوصی) در بازسازی. با وجود این، در این

اعلامیه تصریح شده بود که او همچنان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی را دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی قلمداد می‌کند.

با این حال باید توجه داشت که این رویکرد مصلحت‌گرایانه در برابر تحولات غیرمنتظره‌ای که معمولاً در جمهوری اسلامی (یا در ارتباط با آن در جاهای دیگر) رخ می‌دهد، بیش از هر راهبرد دیگری آسیب‌پذیر است. آخرین نمونه از چنین تحولاتی، غوغایی است که انتشار کتاب آیه‌های شیطانی سلمان رشدی به راه انداخت. آیت‌الله [امام] خمینی به طور قطع پس از این ماجرا به غرب بی‌اعتمادتر شد. به اعتقاد اکثر رهبران جمهوری اسلامی، غرب مرتکب این عمل شده بود تا به اسلام آسیب رساند. نحوه برخورد دولت بریتانیا و متحدان غربی آن با قضیه نیز که فاقد دقت و حساسیت لازم بود، این شک و ظن‌ها را تشدید کرد. رویدادهایی از این قبیل، علی‌الخصوص موجب تضعیف مصلحت‌گرایان می‌شود؛ پس از تیره شدن روابط با اروپای غربی برای این ماجرا، سیاستهای "لیبرالی" این مصلحت‌گرایان در یکی از سخنرانیهای آیت‌الله [امام] خمینی مورد حمله قرار گرفت و این نشان می‌دهد که آنها در اجرای سیاست خارجی متعادلتری که در امر بازسازی پس از جنگ اهمیت حیاتی دارد، با چه مشکلات عظیمی رو به رویند. حال که جناح مصلحت‌گرا در انتخابات ریاست جمهوری در ماه ژوئیه (۱۹۸۹) به قدرت رسیده است، جمهوری اسلامی به احتمال زیاد این راهبرد مصلحت‌گرایانه را به اجرا در خواهد آورد. در همین حال تجدید نظر در قانون اساسی که در همان ماه به تصویب رسید نیز با حذف مقام نخست‌وزیر - که رقیب رئیس جمهوری محسوب می‌شد - قدرت رئیس جمهوری را افزایش داده است. با این حال استمرار و دیرپایی این سیاست به پیشرفت در فرایند صلح با عراق (که مصلحت‌گرایان مسئول آن قلمداد می‌شوند) و

بهبود وضع اقتصادی، بستگی دارد. هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری جدید و اعضای کابینه‌اش که بیشتر مصلحت‌گرا و تکنوکرات محسوب می‌شوند، تعهد خود را به دستیابی به صلح جامع با عراق و در همان حال که بخش اعظم نیروی خود را صرف احیای اقتصاد می‌کنند، نشان داده‌اند.

رویکرد مختلط به طور بالقوه می‌تواند مشکلاتی نیز بیافریند. مثلاً ممکن است موجب شود که بحث‌های ایدئولوژیکی جاری در درون دولت همچنان ادامه یابد. با توجه به اینکه این رویکرد، آمیزه‌ای است از اجزا و عوامل راهبرد درهای باز و راهبرد اتکا به خود، طرفداران هر دو راهبرد خواهند کوشید که حضور ایدئولوژی خود را در این آمیزه بیشتر کنند. این راهبرد، جدا از تلف کردن وقت و نیروی زیاد، که در امر بازسازی به شدت مورد نیاز است، می‌تواند لاف‌لر در بعضی موارد، به خراب شدن اوضاع اقتصادی نیز بینجامد. به ویژه برداشتن محدودیتهای مربوط به تجارت خارجی می‌تواند موجب شود که پس از تسلط قابل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (تقلیدتگی بخش خصوصی) که به رقم عظیم ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ میلیارد ریال بالغ می‌شود، از بخش‌های تولیدی منحرف گردد و به خدمات سودآور صادرات و واردات منتقل شود. در حالی که وضع اشتغال بهبود قابل ملاحظه‌ای نخواهد یافت، وضعیت تمرکز درآمدها به یقین بدتر خواهد شد. تقاضا برای ارز خارجی و نیز کسری تجاری افزایش خواهد یافت و اینها به کاهش بیشتر ارزش ریال منجر خواهد شد. پیامد گریزناپذیر چنین وضعی نیز، تورم بیشتر و تضعیف قدرت خرید اکثریت مردم خواهد بود که پیش از این هم کاهش یافت است. تنها اگر دولت بر گسترش تجارت خارجی و خدمات داخلی نظارت شدید اعمال کند، رهیافت مختلط می‌تواند از این موانع بگریزد. دولت می‌تواند

سرمایه‌گذاری در این فعالیتها را مشمول مالیاتهای سنگینتر قرار دهد و صدور اجازه فعالیت در این رشته‌ها را مشکل کند. لایحه مالیات بر ارزش افزوده که اخیراً در مجلس مطرح شده و کالاهای مصرفی لوکس و خدمات را شامل می‌شود، گاهی در جهت صحیح است. دولت همچنین می‌تواند سیاستهای تشویقی موثری را برای هدایت سرمایه‌های سرگردان در راستای سرمایه‌گذاری تولیدی، اتخاذ کند.

همه طرفهایی که در این مباحث شرکت دارند، علی‌رغم اختلافاتشان، در مورد چند موضوع اساسی توافق دارند. این موضوعها عبارتند از ماهیت نظام اسلامی که آنها آرزو دارند برپا کنند و ابعادی از خط‌مشی‌ها که کمتر جنبه ایدئولوژیکی دارد. آنها به ویژه در این موارد توافق دارند که: منابع داخلی باید با حداکثر ظرفیت مورد استفاده قرار گیرد؛ از وابستگی به خارج باید پرهیز شود؛ مشارکت عمومی (که در نظر جناحهای مختلف معانی مختلفی دارد) باید تشویق شود؛ و به مناطق و مردم آسیب دیده از جنگ باید بیش از بقیه رسیدگی شود. آنها همچنین توافق دارند که در امر سرمایه‌گذاری، باید به موارد حساس زیر اولویت داده شود:

- تقویت صنایع دفاعی و تأسیسات مرتبط با آن،
- مرمت و گسترش تأسیسات و امور زیربنایی (از قبیل پژوهش در علوم و تکنولوژی، نیروگاهها، راهها و تأسیسات بندری)،
- بازسازی صنایع نفت (از جمله چاهها، پالایشگاهها و مجتمعهای پتروشیمی) و تسهیلات صدور نفت، از جمله خطوط لوله و اسکله‌ها،
- توسعه کشاورزی و تأسیسات زیربنایی مورد نیاز آن، از جمله سدها، کانالها و سایر شبکه‌های آبیاری،

- بازسازی و گسترش صنایع ساختمانی، از جمله کارخانه‌های سیمان و شیشه،

- بازسازی صنایع اساسی که در جنگ آسیب دیده‌اند، از جمله مجتمع‌های فولاد و ماشین ابزار،

- توسعه مجدد برخی از شهرها و مناطق آسیب دیده از جنگ و توجه به نیازهای فوری خانواده‌های جنگزده.

برخی از این اولویتها در اعلامیه آیت الله [امام] خمینی نیز مورد تأکید قرار گرفتند.

همان‌طور که در نخستین برنامه تجدید نظر و اصلاح شده "توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی" جمهوری اسلامی نیز مشخص شده،

اعتقاد بر این است که بازسازی اقتصادی از سه مرحله کم یا بیش متمایز می‌گردد. "۱" در مرحله

نخست، منابع و تلاشها به‌استفاده حداکثر از ظرفیتهای تولیدی موجود (به خصوص نفت و گاز)،

تاسیسات زیربنایی و نیروی انسانی، اختصاص خواهد یافت. کشاورزی و توسعه

روستایی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این مرحله، هدف بازگرداندن اقتصاد به وضع کارکرد

عادی و افزایش صادرات نفت و کسب حداکثر مقدار ممکن ارز خارجی است. در مرحله دوم، از

درآمد نفت برای دستیابی به رشد اقتصادی و درآمد سرانه بیشتر استفاده خواهد شد. سرانجام در مرحله

سوم، فرایند رشد تحکیم شده و دیگر وابسته به بخش نفت نخواهد بود. طبق برنامه، تنها در این

زمان است که نیل به اهداف عدالت اجتماعی و خودکفایی اقتصادی، ممکن خواهد شد. (طول دوره

هر مرحله و راهبرد اجرای آن مشخص نشده است.) نکته قطعی این است که دولت برای

بازسازی شدیداً به درآمد نفت متکی خواهد بود.

راههای تأمین نیازهای مالی بازسازی دولت در پی آن است که غیراز بخش نفت، از

منابع دیگر نیز ارز خارجی به دست آورد. می‌توان یقین داشت که رهبری جمهوری اسلامی در آینده

قابل پیش بینی، خارجیان را به سرمایه‌گذاری مستقیم دعوت نخواهد کرد. بلکه این رهبری

خواهد کوشید تا در طرحهای "خرید تولیدات آتی توسط سرمایه‌گذار خارجی" (buy-back) یا

اعتبارات کوتاه مدت، از منابع خارجی استفاده کند. "مثلاً اگر از طرفهای خارجی خواسته شود

که اجرا یا تعمیر و بازسازی طرحی را به عهده گرفته یا مواد خام در اختیار گذارند، از آنان

خواهند خواست که حق الزحمه خود را با در اختیار گرفتن محصول یا صادر کردن آن به

کشورهای دیگر دریافت کنند. امید می‌رود که این راهبرد تأمین منابع مالی، در بالا بردن صادرات

غیرنفتی کشور مفید افتد. یک راه دیگر این است که از شرکتهای خارجی خواسته شود که

سرمایه‌گذاری خود را همچون وام میان مدت به دولت قلمداد کنند که پس از اتمام پروژه یا به راه

افتادن تولید، بازپرداخت خواهد شد.

جناح رادیکال فکر "خرید تولیدات آتی توسط سرمایه‌گذار خارجی" (buy-back) را رد می‌کند

زیرا این "وام" به خارجیان اجازه خواهد داد که برای صنایع اساسی ما (ایران) خط مشی تعیین

کنند... آنها سرمایه‌گذار واقعی خواهند بود و ما به واسطه‌ای بین آنها و کشورهای جهان سوم، که

محصولات در آنها فروخته می‌شود، تبدیل خواهیم شد."

طرح پیشنهادی که توسط وزارت اقتصاد و دارایی ایران تهیه شده (در پاییز سال ۱۹۸۸ در

تهران) و به وزیر امور خارجه آلمان غربی تقدیم شد می‌تواند به الگویی برای مشارکت شرکتهای

خارجی در طرحهای بازسازی ایران تبدیل شود. این طرح خواستار تشکیل کنسرسیومی از چندین بانک

بزرگ، شرکتهای نفتی و گروههای صنعتی آلمان غربی شده بود. براساس این طرح، ایران از بانکهای

عضو کنسرسیوم وام گرفته و پول را در طرحهایی که قرارداد آن با گروههای صنعتی عضو

کنسرسیون بسته شده صرف خواهد کرد و سپس بازپرداخت وام را از طریق فروش نفت به شرکتهای نفتی عضو کنسرسیون انجام خواهد داد. ایران امیدوار بود که این روش شرکتهای چند ملیتی متعددی را به مشارکت در بازسازی کشور ترغیب کند، بدون آنکه به هیچ شرکت خاص بیش از حد وابسته شود.

همچنین، به نظر می‌رسد که ایران بیشتر مایل است که از سازمانهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول وام بگیرد تا از دولت یا بانکهای خصوصی خارجی با وجود آنکه قانون اساسی دریافت وام خارجی توسط دولت را، مگر در صورت تصویب مجلس، ممنوع کرده است، این شق در داخل دولت مورد بحث است، می‌گویند آیت الله [امام] خمینی از دریافت نامتواکفانه بعضی از رهبران پرنفوذ که درخواست کرده بودند اجازه دریافت وام خارجی را صادر کند، خشمگین شده بود. با این حال، علامرضا آقازاده وزیر نفت ایران، در یک مصاحبه مطبوعاتی در فوریه ۱۹۸۹ فاش کرد که "دولت فعلی سیاستهایی را در مورد دریافت وام تعیین کرده است. سیاست اصلی این است که می‌توانیم برای مسائل مهم زیربنایی وام دریافت کنیم." یک گزارشگر روزنامه نیویورک تا به امروز نیز از همین وزیر نقل کرد که "ایران فقط برای طرحهای درآمدا از وام استفاده خواهد کرد و این وامها نیز در پنج سال آینده از ۳ میلیارد دلار بیشتر نخواهد بود." تصمیم به اخذ وام نیز حاصل "بحثهای طولانی در میان رهبران است که سرانجام به نفع رهیافتی مصلحت‌گرایانه ختم شده است که به بازسازی سالم اقتصاد ایران کمک کند."

ایرانیان ثروتمندی که در خارج زندگی می‌کنند نیز یک منبع احتمالی تأمین ارز خارجی و حتی سرمایه‌گذاران بالقوه قلمداد می‌شوند. با این حال، این راه کاملاً تحت نظارت خواهد بود و تنها

در صورتی که راه دیگری وجود نداشته باشد، به عنوان آخرین راه، گشوده خواهد شد. از جمله امکانات دیگر، افزایش همکاری در میان اعضای اوپک به منظور بالا بردن قیمت نفت است. بنابراین ملاحظات بود که ایران طرح بپینه تولید برابر با عراق را در نوامبر ۱۹۸۸ پذیرفت. علاوه بر اینها، دیپلماسی ایران در منطقه خلیج (فارس) به ایجاد روابط همجواری مصلحت‌گرایانه با دولتهای خلیج (فارس)، از جمله عربستان سعودی و کویت، تمایل پیدا کرده است. هدف از این دیپلماسی جدید، جلب تمایل دولتها، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران منطقه به یاری رساندن به جمهوری اسلامی در بازسازی اقتصاد خود است. هدف از

سیاست آزادسازی تجارت که پس از جنگ به اجرا

درآمده و وارد کنندگان احتمالی کالاهای ایران در منطقه خلیج (فارس) را متد نظر دارد نیز تشویق انتقال ارز به کشور است. شورای همکاری خلیج (فارس) پیشنهاد کرده است که یک صندوق بین‌المللی (مشابه آنچه در قطنامه ۵۹۸ پیشنهاد شده) ایجاد شود تا به بازسازی در ایران و عراق یاری رساند. با این حال، شورای همکاری، این پیشنهاد را مشروط به یک توافق صلح جامع کرده که خود تاکنون برای تحقق و تثبیت آن کار زیادی نکرده است.

افزایش صادرات غیرنفتی ایران نیز به عنوان منبعی برای تأمین ارز خارجی، مورد نظر است اما این صادرات که ارزش آن در گذشته نزدیک، هرگز از یک میلیارد دلار فراتر نرفته، منبعی محدود محسوب می‌شود. از منابع معدنی نیز که فراوان و متنوع است، به علت تأکید بیش از حد بر تولید صدور نفت خام، به طور کامل بهره‌برداری نشده است. اما محدودیت بازار نفت، مسئولان نظام را به تفکر مجدد وادار کرده است. تغییراتی که پس از جنگ در قانون معادن داده شده، ورود شرکتهای ایرانی و خارجی را به طرحهای مشترک اکتشاف و

صادرات با دولت، آسانتر کرده است.^{۲۰} با این حال، این منبع بالقوه ارزش خارجی، خیلی زود نمر نخواهد داد. اما گاز طبیعی فراوان (ذخایر ایران پس از شوروی، دومین ذخایر بزرگ جهان است) و آماده بهره‌برداری است. دولت اختلافهای خود را در مورد قیمتگذاری و جزئیات فنی دیگر با اتحاد شوروی (تنها مشتری ایران) حل کرده و صادرات گاز طبیعی به آن کشور از تابستان گذشته از سر گرفته شده است. مجموعه توافقیهای ایران و شوروی، شامل یک توافق چند میلیارد دلاری در زمینه تجارت و توسعه اقتصادی نیز می‌شود.^{۲۱} با این حال باید توجه داشت که این معامله، ارزش خارجی در اختیار ایران قرار نخواهد داد، بلکه صرفاً به افزایش کمکهای فنی شوروی و انتقال تکنولوژی به ایران منجر خواهد شد.

سرانجام، ایران امیدوار است که بتواند به میزان محدودی از ۷ میلیارد دلار ذخایر خود که توسط دولت آمریکا توقیف شده و وامهایی که به وسیله شاه به دولتهای خارجی داده شده، استفاده کند. اما در مقابل این رقم، ایران ۵ میلیارد دلار وامهای کوتاه مدت و بلندمدت دارد که توسط رژیم قبلی و نیز جمهوری اسلامی در سالهای اخیر گرفته شده است. علاوه بر این، برخی از بدهکاران (از جمله فرانسه) در مورد پرداخت بدهی خود به شکل ارز قوی، تمایل ندارند. این طرفها مشغول مذاکره در مورد معامله‌هایی بوده‌اند که به موجب آنها، قروض بدهکاران به ایران به شکل کالاهای مختلف پرداخت شود. طبق گزارشها، یکی از این نوع معاملات با فرانسه منعقد شده است که به موجب آن فرانسه در ساختمان راه آهن زیرزمینی تهران مشارکت خواهد کرد و هشت فروند هواپیمای ایرباس و اقلام غذایی به ایران خواهد فروخت.^{۲۲} کمکهای سازمان ملل و پولی که از سرمایه‌گذاری محدود خارجی حاصل خواهد شد، مبالغ قابل توجهی نیستند، اما صرفه‌جویی ناشی از کاهش نرخ

بیمه و هزینه‌های حمل و نقل صادرات نفت پس از آتش بس، قابل ملاحظه بوده است. موانع دیگر

غیر از کمبود ارزش خارجی، موانع عمده دیگری نیز در راه بازسازی وجود دارند. نخستین مانع، کمبود تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی و متخصصان فنی است. (مثلاً، شمار نجاران و مکانیکهای ماهر بسیار کم است.) آمار سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶-۱۹۸۷) نشان می‌دهد که در کل کشور فقط ۵۴۲۲۲۸ نفر متخصص وجود داشته که ۵۰ درصد از آنان فارغ التحصیل رشته‌های فنی بوده‌اند. این به آن معنی است که نسبت فارغ التحصیلان رشته‌های کاربردی به کل جمعیت بسیار پایین و معادل ۳۰۰ در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است. (در حالی که همین رقم در ژاپن ۵۵۰۰، در هلند ۵۲۰۰ و در اتحاد شوروی ۵۱۰۰ است.) رقم مربوط به تکنیسینها از رقم فارغ التحصیلان رشته‌های کاربردی نیز کمتر است. یعنی در هر ۱۰۰ هزار نفر از جمعیت ایران، تنها ۶۰۰ متخصص فنی وجود دارد (در حالی که در ژاپن این رقم ۲۵۰۰۰ در هر ۱۰۰ هزار نفر است.) بخش آموزش عالی همچنان توسعه نیافته است و هرگز نتوانسته از زیربار صدمه‌ای که در خلال انقلاب فرهنگی (که دانشگاهها برای چهار سال تعطیل شدند)، و نیز بعد از خروج جمعی دانشمندان، استادان و پژوهشگران بر آن وارد شد، کمر راست کند. آموزش متخصصان فنی در دست انجام است، اما به هیچ وجه قادر به پاسخگویی به نیازها نیست.^{۲۳} یک نکته تأسف‌آورتر این است که بخش قابل توجهی از همان متخصصان موجود هم بی‌کارند. مثلاً در سال ۱۹۸۳، در حدود ۳۷۰۰۰ نفر صاحب مدارک دانشگاهی، بی‌کار بودند که ۲۳۰۰۰ نفر از آنان قبلاً به کار اشتغال داشتند.^{۲۴}

نیاز شدید به افرادی که قادرند مؤسسات پیچیده‌ای از قبیل صنایع پایه و تأسیسات زیربنایی

بسازند با استعانت از متخصصان خارجی تأمین خواهد شد. این فرایند پیشاپیش با امضای قراردادهایی با شرکتهای مختلف ژاپنی، آلمان غربی، ایتالیایی، فرانسوی، ترک، چینی، شوروی، اروپای شرقی، کره شمالی و کره جنوبی و برزیلی، آغاز شده است. هم اکنون تعداد زیادی از متخصصان خارجی در پروژههای صنعتی مختلف به کار مشغولند.^{۳۳} دولت به صدها دانشجو که در گرداگرد جهان به تحصیل اشتغال دارند - از جمله با اعطای بورس تحصیلی به عده زیادی از دانشجویان در ایالات متحده آمریکا - کمک مالی می دهد. با وجود این، تعداد دریافت کنندگان کمک مالی بسیار کمتر از آن است که در دوره رضیم شاه بود. از متخصصان ایرانی که در خارج زندگی می کنند نیز چند بار درخواست شده است که به میهن بازگردند. اما شگفت آورترین قضیه آنست که توسط دولت برای بهبود این وضع انجام شده، امضای قراردادی با آلمان غربی در پاییز ۱۹۸۹ بود که به موجب آن، دانشگاههای آلمان غربی، کارشناسان ایرانی را در زمینه فنون ساختمان سازی و برنامه ریزی شهری آموزش می دهند تا این کارشناسان به طراحی و اجرای طرحهای ساختمانی پیچیده تر، توانا شوند.^{۳۴} (این قرارداد پس از ماجرایی سلمان رشدی به طور موقت به حال تعلیق درآمد.) در دوره شاه نیز این قراردادها به وفور امضا می شدند. مدیران و مجریان ماهر نیز کمیابند اما دولت در این مورد، به تخصص خارجی روی نخواهد آورد. با این حال، ممکن است از ایرانیان تحصیل کرده ای که هم اکنون در ایالات متحده آمریکا و اروپا زندگی می کنند، کمک بخواهد.^{۳۵} در این مورد نیز زمانبندی کار اهمیت دارد. اگر بازسازی، فرایندی آرام و تدریجی باشد، صاحبان مهارتها را می توان در داخل تربیت کرد (همانند صنعت نفت) و کمتر به کمک خارجی متکی شد. این نیز یکی از دلایلی است که بعضیها معتقدند

فرایند بازسازی باید با سرعت کمتر و به تدریج انجام گیرد.

یکی دیگر از موانع مهم در راه بازسازی، فقدان نهادهای مناسب و وجود سازمانهای متعدد با کارکردهای مشابه و رویه های نامناسب است.^{۳۶} نمونه هایی در این زمینه عبارتند از: وزارت کشاورزی در مقابل وزارت جهاد سازندگی؛ مؤسسات قرض الحسنه در مقابل نظام بانکی و مهمتر از همه، آستان قدس رضوی در مقابل دولت. آنچه پس از جنگ به این فهرست افزوده شده، شورای سیاستگذاری بازسازی است که زمانی به موازات دولت، مشغول تدوین برنامه های برای بازسازی اقتصاد ملی بود. پیش از آنکه بازسازی آغاز شود، مشکل سازمانهای موازی - شاید با حذف برخی و ادغام برخی دیگر در یکدیگر - باید حل شود.^{۳۷} در واقع برخی از لواحق که اخیراً به مجلس برده شده، به این موضوع پرداخته اند. اما مهمترین اقتضای که تاکنون انجام گرفته، انجام تغییراتی در قانون اساسی در ژوئیه ۱۹۸۹ بوده است.^{۳۸} این تغییرات، به ویژه منجر به این شده اند که کوشش متمرکزتر و یکپارچه تر پدید آید. قدرت مقام ریاست جمهوری افزایش یافته و اینک اکثر ابزارهای سیاستگذاری زیر کنترل یک فرد درآمده است.

مسائل حساستری نیز وجود دارد. دولت باید سرانجام تصمیم بگیرد که مالکیت خصوصی و انباشت ثروت محدودیتهایی دارد یا ندارد. اگر چنین محدودیتهایی وجود دارد، مشخصات آنها باید اعلام شود. در غیر این صورت، نقدینگی خصوصی سرگردان در بازسازی بخشهای تولیدی مشارکت نخواهد کرد؛ بخشی از این نقدینگی را که خواهد ماند و بقیه آن نیز همچنان در خدمات سرمایه گذاری شده یا به خارج از کشور خواهد رفت. دولت باید در این مورد نیز نظر خود را مشخص کند که تجارت خارجی (بر اساس

قانون اساسی) ملی خواهد شد یا نخواهد شد؛ و اگر نخواهد شد، نقش خاص آن در سیاست تجاری آزادتری که اتخاذ می‌شود، چه خواهد بود. تاکنون مخالفت یکپارچه بازاریها (تجار بزرگ) و محافظه کارانی که در دولت جای دارند از اجرای اصلاحات اساسی در قوانین مالکیت خصوصی و سیاست تجارت بین‌المللی جلوگیری کرده است. در دوره "پیشرفت" پس از جنگ، نشانه‌هایی از تلاش در راستای مشروعیت بخشیدن به انباشت محدود ثروت و تثبیت تجارت خارجی زیر کنترل دولت (اما عمدتاً با حفظ مالکیت خصوصی تجار)، وجود داشت اما پیدا شدن راه‌حلی برای این مسائل به هیچ وجه نزدیک به نظر نمی‌رسد.

سرانجام آنکه دولت باید در مورد اصلاحات مهم و به تعویق افتاده‌ای همچون مالیاتها و زمین و موضوعاتی چون توزیع درآمد، حقوق زنان، قانون کار، دموکراسی سیاسی (از جمله آزادی احزاب و مطبوعات) و سازماندهی مجدد اداره استانیها به سرعت تصمیم بگیرد. این موضوعات و مسائل مربوط به امنیت اجتماعی، دشوارترین مسائل فراروی جمهوری اسلامی هستند. برخی از این اصلاحات، پس از انقلاب در زمانهای مختلف مورد توجه قرار گرفته و در زمینه‌هایی همچون تقسیم محدود زمین، وضع نظام مالیاتهای تصاعدی و اعطای سوبسید در مورد نیازهای ضروری، پیشرفتهایی حاصل شده است. در دوره پس از جنگ و در پی اعدام گسترده زندانیان سیاسی، دولت در چارچوب محدودیتهای خاص، گامهای اولیه‌ای در راستای اجازه آزادی فعالیت به گروههای سیاسی دارای ایدئولوژی اسلامی برداشته است. برخورد خشن با زنان "بدحجاب" تا اندازه‌ای کاهش یافته و محدودیتهای مربوط به برخی موارد اجتماعی-فرهنگی، از قبیل موسیقی و برنامه‌های تلویزیونی، سست‌تر شده است. اما برای آنکه به مهمترین تقاضای عمومی - در مورد تأمین امنیت

اجتماعی - پاسخ داده شود باید اقدامات بیشتری انجام شود. روشن است که مردمی که احساس امنیت نکنند، نمی‌توانند در توسعه جامعه خود سهمی داشته باشند. به عبارت دیگر، بازسازی پس از جنگ برای آنکه بتواند در احیای اقتصاد موفقیتی به چنگ آورد ابتدا باید مسئله امنیت اجتماعی مردم را حل کند. مسئله امنیت اجتماعی، هم رفاه اقتصادی و هم آزادی سیاسی را شامل می‌شود. این واقعیت که این موضوعات در دوره پس از جنگ، در درون دولت به بحث گذاشته شده‌اند فی‌نفسه تحول امیدوارکننده‌ای است.

وضعیت نه جنگ و نه صلح، و بازسازی

خلاصه آنکه خسارات جنگ، عظیم است. موانع داخلی و بین‌المللی سترگی نیز در راه بازسازی وجود دارد. البته آشکار است که راهها، توانهای بالقوه و نیروهای تسهیل‌کننده متعددی نیز هست. اما در مجموع، براین اعتقاد که نیروهای محدودکننده سهمگینتر از آن است که یک گروه منفرد سیاسی - چه در درون و چه در بیرون دولت - بتواند به مقابله با آنها بپردازد. بازسازی پس از جنگ وظیفه‌ای است که هیچ نیروی منفردی در ایران قادر به ایفای موفق آن در آینده نزدیک نیست. آنچه واقعاً مورد نیاز است یک اتحاد راستین ملی است که اکثریت بزرگ ایرانیان در آن مشارکت کنند. هدف اصلی باید ایجاد آرامش داخلی، دموکراسی، امنیت اجتماعی و مشارکت عمومی باشد که جملگی شروط خطیر بازسازی قرین با موفقیت محسوب می‌شوند. مسلم است که این موارد، موضوعات سیاسی اساسی به شمار می‌روند که نمی‌توان در کوتاه‌مدت و به آسانی به حل آنها دست یافت. شکاف سیاسی موجود میان جمهوری اسلامی و اپوزیسیون، بیش از حد بزرگ و اختلافهای جناحهای سیاسی مختلف درون این دو اردوگاه نیز پیش از حد زیاد است. شاید لازم باشد که همه طرفهای درگیر به میزان زیادی تن به

مصالحه دهند تا از وارد آمدن خسارات عظیم به کشور پرهیز شود.

صلح پایدار که برای بازسازی ضروری است، عمدتاً به خاطر ادعاهای غیرقابل قبول عراق (به خصوص در مورد حق حاکمیت کامل بر آبراه شط العرب) با مشکلات بزرگی روبه روست. "وضعیت نه جنگ و نه صلح، نه تنها آهنگ بازسازی را کند می کند بلکه مرجب استفاده ناکارآمد از منابع کمیاب می شود و به این ترتیب ایران را در دستیابی به رشد اقتصادی سریع و فوری، که هدف اصلی دولت است، با مشکل اساسی روبه رو می کند. این امر، به ویژه دولت را وادار می کند که همچنان بخش قابل ملاحظه‌ای از ارز خارجی کمیاب و نیروی کار ماهر را به دفاع اختصاص دهد. این کار با توجه به افزایش خریدهای نظامی عراق در پی آتش بس، بیش از پیش توجیه پذیر شده است."

مسابقه تسلیحاتی که در نتیجه این وضع پرمی گیرد نیز به نوبه خود آتش بس شکننده موجود را به خطر خواهد انداخت. آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی که در آن وقت رئیس مجلس و جانشین فرمانده کل قوا بود، در اواخر سال ۱۹۸۸، خاطر نشان کرد که ایران وضعیت نه جنگ و نه صلح را برای مدتی طولانی تحمل نخواهد کرد. "اگر چه با توجه به فشارهای عظیم داخلی و بین المللی، ممکن نیست جنگ به آسانی از سر گرفته شود، اما این هشدارها را باید جدی قلمداد کرد. هر دو طرف منازعه، در حال حاضر مشغول تقویت سریع نیروی نظامی و انسانی خود هستند - به ویژه در جبهه‌ها که در بعضی نقاط، ارتشهای دو طرف، کمتر از ۲۰ متر از یکدیگر فاصله دارند. [تاریخ نوشتن این مقاله قبل

از درگیری اخیر در خلیج فارس است - م.]

جامعه جهانی نیز که زمانی نیروی زیادی را به پایان جنگ اختصاص داده و در مورد آن مصمم بود، در ماههای اخیر نسبت به این منازعه بی‌اعتنا شده است. غرب، شرق و کشورهای غیرمتعهد - که بسیاری از آنها برای به دست آوردن سهم بیشتری در طرحهای بازسازی دو کشور مسابقه گذاشته‌اند - [دبیر گل] سازمان ملل را به حال خود رها کرده‌اند. از این هم نگران کننده‌تر، بی‌علاقگی مجامع منطقه‌ای از قبیل سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج [فارس] است. دو سازمان اخیر با حمایت از ادعاهای ارضی عراق و گردن نهادن به قوانین کوچک، وضع بن بست گونه کنونی را پیچیده‌تر کرده‌اند. موضع عربستان سعودی، که (با فرض اینکه ایران قادر به شروع مجدد جنگ نیست) آتش بس را امری مسلم و دایمی قلمداد می کند، برای فرایند صلح به شدت زیان آور بوده است. آنها توان بالقوه عظیم ایران برای ساختن یک نیروی تهاجمی قدرتمند را نادیده گرفته و فراموش می کنند که شوهری ایرانی کسانی که میل دارند صدام حسین را تنبیه کنند، چه از لحاظ تعداد و چه از لحاظ قدرت سیاسی، اندک نیستند. جامعه جهانی، حتی اگر فقط صلح جهانی و منافعی را که در فرایند بازسازی دارد مهم بداند، باید به جای توجه زیاد به بازسازی، یک بار دیگر مسئله صلح بین دو کشور را مورد توجه قرار دهد.

یادداشتها

- ۰۱ رئیس جمهور ایران بارها در مورد وضعیت ناپایداری که بین ایران و عراق وجود دارد، هشدار داده است. نگاه کنید به: کیهان هوایی، ۱۳ مهر ۱۳۶۷، ص ۴؛ کیهان هوایی، ۲ آذر ۱۳۶۷، ص ۴.
- ۰۲ مسئولان دولتی، به طور آشکار اثر منفی وضعیت نه جنگ و نه صلح را بر بازسازی پس از جنگ تأیید کرده‌اند. برای نمونه نگاه کنید به:

Economic and Political Bulletin, 35 (7), 15 December 1988, p 21.

- ۰۳ در مورد خسارت جنگی ایران نگاه کنید به: H Amirahmadi, 'Destruction and reconstruction: a strategy for the war-damaged areas of Iran' in H Amirahmadi and M Parvin (eds), *Post-Revolutionary Iran*, Boulder, Colorado: Westview Press, 1988; *Bazsazi Va Barnamehrizi-ye Towseh Meli Va Mantaghehi* (Reconstruction and national and regional development planning), Tehran: Ministry of Planning and Budgets, 1366, prepared for presentation at the seminar on the role of research in post-war reconstruction, Shiraz University, 1366 (hereafter, *Bazsazi*); *Kholasch-e Gozaresh: Baravard-e Khasaret-e Eqtesadi-ye Jang-e Tahmili-ye Araq Aleyh-e Iran Tu Shahrivar Mah-e 1364* (Summary Report: an estimate of the economic damage of the imposed war of Iraq against Iran until September 1985), Tehran: Ministry of Planning and Budgets, 1986 (hereafter: *Gholasch-e Gozaresh*), 7 and 8 (8 was published in 1988).

- ۰۴ وزیر ارشاد اسلامی، تلفات انسانی جنگ را به شرح زیر اعلام کرد:
تعداد کشته شدگان: ۱۲۳۲۲۰ نفر پرسنل نظامی (که ۸۰ هزار نفر آن از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۳۰ هزار نفر نیز از نیروهای ارتش منظم بوده‌اند) و ۱۱ هزار نفر غیرنظامی؛ تعداد افراد مفقودالانرا: ۶۰۷۱۱؛ تعداد اسیران جنگی: ۳۰ هزار نفر. نگاه کنید به: کیهان هوایی، ۱۳ مهر ۱۳۶۷، ص ۲۳. این ارقام کمتر از یک ماه پس از آتش‌بس منتشر شد و ممکن است کمتر از ارقام واقعی باشد. نگاه کنید به: *New York Times*, 19 Sep, 1988 که تعداد کل کشته شدگان ایران را ۳۰۰ هزار نفر و تعداد کشته شدگان عراق را ۱۲۰ هزار نفر ذکر می‌کند. همچنین نگاه کنید به:

H Amirahmadi, 'Destruction and reconstruction: a strategy for the war-damaged areas of Iran' in *Disasters: international journal for disaster studies and development*, 11 (2), 1987, pp 134-47.

- ۰۵ برای نامها و محل شهرهای آسیب‌دیده نگاه کنید به: H Amirahmadi, 'War damage and reconstruction in the Islamic Republic of Iran' in H Amirahmadi and M Parvin (eds), *Post-Revolutionary Iran*, p 127.

- ۰۶ برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به: H Amirahmadi, *The Iranian Economy Since the Revolution*, Albany, New York: State University of New York Press, forthcoming.

- ۰۷ مثلاً در سخنرانی وزیر برنامه و بودجه در کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع (که توسط مسئول دفتر اقتصاد کلان وزارتخانه قرائت شد). این کنفرانس در اوت ۱۹۸۸ در تهران برگزار شد و نگارنده نیز در آن شرکت داشت؛ و نیز در طرح مقدماتی حرکت‌های کلی کشور بعد از جنگ تحمیلی که یک گزارش منتشر نشده دولتی است و توسط وزارت برنامه و بودجه (بدون تاریخ) تهیه شده است.

8. *Tarh-e Moghadamati, Kholasch-e Gozaresh* 8; and interview 1988 (reference is to the interviews and discussions I held in Tehran during the summer of 1988 with a number of government officials and informed sources).

- ۰۹ برآوردها مبتنی بر اطلاعات داده شده در منبع زیر است.

Tarh-e Moghadamati, Kholasch-e Gozaresh 8; and interview 1988.

۱۰. به گفته رئیس جمهور ایران، "در خلال جنگ در حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از درآمد کشور صرف جنگ می‌شد...". نگاه کنید به: *Iran Times*, 30 Tir 1368, p 2.

11. H Amirahmadi, 'Reconstruction: Iran debates its strategy', *Middle East Executive Reports* 12 (7), July 1989, pp 9 and 14-17.

12. *Tarh-e Moghadamati and Kayhan-e Havai*, 4 Aban 1367, p 3.

۱۳. نگاه کنید به: خطبه‌های نماز جمعه آقای رفسنجانی در ۲۸ مرداد ۱۳۶۷ که در *کیهان هوایی*، ۲

شهریور ۱۳۶۷، ص ۹، چاپ شده است.

۱۴. *کیهان هوایی*، ۱ شهریور ۱۳۶۷، ص ۹ و ۲۰ مهر ۱۳۶۷، ص ۹.

۱۵. *کیهان هوایی*، ۲۷ مهر ۱۳۶۷، ص ۱۱.

۱۶. رفسنجانی، خطبه‌های نماز جمعه ۲۸ مرداد ۱۳۶۷، *کیهان هوایی*، ۲ شهریور ۱۳۶۷، ص ۹.

۱۷. *کیهان هوایی*، ۴ آبان ۱۳۶۷، ص ۱۰.

۱۸. نگاه کنید به: پیام آقای رفسنجانی به سمینار ارتقای فرهنگی در بزرگساز، *کیهان هوایی*، ۳۰ آذر،

۱۳۶۷، ص ۳.

۱۹. *کیهان هوایی*، ۲۰ مهر ۱۳۶۷، ص ۳.

۲۰. *کیهان هوایی*، ۷ دی ۱۳۶۷، ص ۲۵.

21. 'Reconstruction policies clarified', *Iran Focus* 1 (2), November 1988, pp 8-10; and 'The first economic development plan', *Economic and Political Bulletin*, 35 (1), 1 November 1988, pp 5-6. See also H Amirahmadi, 'Iran: at the threshold of reconstruction' (interview), *The Urban Edge: issues and innovations* 12 (10), December 1988, pp 4-5 (published by the World Bank).

۲۲. نگاه کنید به: مأخذ شماره ۱۸.

۲۳. نگاه کنید به: سخنرانی ابوالحسن حائری زاده، نماینده مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی این مجلس

در ۴ دی ۱۳۶۷ که در *کیهان هوایی*، ۱۴ دی ۱۳۶۷، ص ۲۴ مشر شده است.

24. 'Santa Satan: the changing Iran', an interview with H Amirahmadi, R Bulliet and J Bill, *Baron's: national business weekly* 69 (3), 16 January 1989, pp 10-11 and 17-21; see also *Kayhan-e Havai*, 2 Shahrivar 1367, p 3 (carries a statement from Deputy Foreign Minister Dr Mohammad Javad Larijani concerning the good prospects for Germany's involvement in the post-war reconstruction); *Kayhan-e Havai*, 9 Shahrivar 1367, p 13; and *Economic and Political Bulletin* 35 (6), 8 December 1988, p 5.

25. Y M Ibrahim, 'Iran may borrow at banks to revive economy', *New York Times*, 3 February 1989.

۲۶. *کیهان هوایی*، ۲ آذر ۱۳۶۷، ص ۶ و ۲۷ مهر ۱۳۶۷، ص ۹. در مورد موافقتنامه سهمیه برابر نیز

نگاه کنید به: *New York Times*, 25 November 1988.

27. 'Making up with Gulf states', *Iran Focus* 2 (1), January 1989, pp 4-5. See also *Economic and Political Bulletin*, 35 (9), 5 January 1989, pp 23-4.

28. 'Reconstruction: the financing problem', *Iran Focus* 1 (3), December 1988, p 11.

29. Y M Ibrahim, 'Iran may borrow at banks to revive economy', in *New York Times*, 3 February 1989, pp A1, A6.

۳۰. نشریه Echo of Iran از آقای مجیدی، مدیر عامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (به نقل از

کیهان، ۲ آذر ۱۳۶۷) نقل کرده است که در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۸ (۲۵ آبان ۱۳۶۷) "پادداشت تفاهمی

میان ایران و فرانسه به امضا رسید که براساس آنه ایران در عرض دو سال، ۳ هواپیمای ایرباس از فرانسه

خواهد خرید. اقدامات مقدماتی برای خرید پنج هواپیمای دیگر نیز انجام شده است. " از او نقل شده است که " هر ابرپاس می‌تواند در پروازهای داخلی ۲۸۰ مسافر حمل کند و قیمت آن ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار است. " نگاه کنید به: *Economic and Political Bulletin* 35 (1), December 1988, p 4.

نیز، نگاه کنید به کیهان هوایی، ۲ آذر ۱۳۶۷، ص ۱۱.

۳۲. کیهان هوایی، ۵ بهمن ۱۳۶۷، ص ۱۳.

۳۳. نگاه کنید به: خطبه‌های نماز جمعه آقای خامنه‌ای، رئیس جمهوری [ولت] در ۱ شهریور ۱۳۶۷ که

در کیهان هوایی، ۹ شهریور ۱۳۶۷، ص ۹، چاپ شده است. نیز، نگاه کنید به: کیهان هوایی، ۱۹ دی ۱۳۶۷، ص ۸.

۳۴. ایران و جمهوری فدرال آلمان در ۱۵ آذر ۱۳۶۷، پادداشت تفاهمی در مورد طرحهای ساختمانی به

امضا رساندند. نگاه کنید به: کیهان هوایی، ۲۳ آذر ۱۳۶۷، ص ۱۱.

۳۵. کیهان هوایی، ۲۳ آذر ۱۳۶۷، ص ۲ و ۱۲ مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۰.

۳۶. " ضرورت بازسازی تشکیلات اداری "، سروش، ۲۱ آبان ۱۳۶۷. نیز، نگاه کنید به: دو مأخذ زیر

کیهان هوایی، ۴ آبان ۱۳۶۷، ص ۲۱ و ۲۹ تیر ۱۳۶۷، ص ۲۴ و ۲۳ آذر ۱۳۶۷، ص ۱۹ و

روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ شهریور ۱۳۶۷، ص ۵.

۳۷. کیهان هوایی، ۴ آبان ۱۳۶۷، ص ۲۴ و ۲۷ مهر ۱۳۶۷، ص ۱۴.

38. 'IRGC merger postponed', *Iran Focus* 1 (1), October 1988, p 7; and 'Changes in the constitutional law', *Economic and Political Bulletin* 35 (7), 15 December 1988, pp 5-6; and 'Constitutional amendments on the way', *Iran Focus* 2 (1), January 1989, p 6-7.

39. H Amirahmadi, 'Middle-class revolutions in the Third World', in H Amirahmadi and M Parvin, *Post-Revolutionary Iran*, pp 225-44.

۴۰. گزارش این اعدامها توسط اکثر نشریات غربی، از جمله نیویورک تایمز، منتشر شد. سازمان ملل

متحد، قطعنامه‌ای در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران تصویب کرد و علو بین‌المللی نیز چند بیانیه منتشر

کرد. نگاه کنید به: *Economic and Political Bulletin* 35 (8), 22 December 1988, p 19-20; and 'Amnesty International's statement to the 45th session of the UN commission on human rights', *Economic and Political Bulletin*, 35 (14), 9 February 1989, pp 23-24. See also Mohammad Javad Larijani, deputy minister of foreign affairs, on the execution of Tudeh leaders, *Economic and Political Bulletin* 35 (9), 5 January 1989, p 4. See further 'UN human rights resolution stings', in *Iran Focus* 2 (1), January 1989, p 7. On the government responses to these charges see 'Rafsanjani attacks Western records on human rights', *Economic and Political Bulletin* 35 (8), 22 December 1988, p 20-22; and 'UN human rights resolution stings', p 7.

۴۱. در دو سفری که در تابستان سال ۱۹۸۸ به ایران انجام دادم دریافتم که انبوه مردم کوچه و بازار، بیش

از هر چیز از نبود امنیت اجتماعی شکوه دارند. هنگامی که پرسیده می‌شد منظورشان از نبود امنیت

اجتماعی چیست، اغلب آنان مسائل مختلفی از قبیل اعمال خشونت فیزیکی توسط اعضای کمیته‌های انقلاب تا

فقر اقتصادی - اجتماعی و نگرانی در مورد نبود آزادیهای فردی و سیاسی را فهرست می‌کردند.

42. 'No breakthrough in peace talks', *Iran Focus* 1 (3), December 1988, pp 2-3; and 'Impasse in peace process', *Iran Focus* 2 (1), January 1989, p 2.

43. W Richey, 'Iraq and Iran use truce for massive arms buildups', *Christian Science Monitor* 81 (31), 10 January 1989.

۴۴. کیهان هوایی، ۲ آذر ۱۳۶۷، ص ۴.